

تصمیم قابل تحسین مدیرعامل تأمین اجتماعی

حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



معتمد کارى که تأمین اجتماعی در برهه متناسب‌سازى انجام داد، بسیار قابل تقدیر است. نگاه ما هم این بود که متناسب‌سازى باید با تمرکز بر کاهش دریافتى مقطع بازنشستگی به نسبت حداقل دریافتى باشد که خوشبختانه این اتفاق افتاده است.

باید گفت از ابتدای دوره جدید مدیریت سازمان تأمین اجتماعی، بازنشستگان اعلام کردند که این فرمول بهتر از فرمول ارائه شده توسط مجلس است. خوشبختانه این طرح در تأمین اجتماعى بررسی شد و اگرچه در ابتدا مخالفت‌هایی با آن شد ولی نهایتاً پذیرفته و اجرایی شد. فرمولی که تأمین اجتماعی جایگزین فرمول نحوه محاسبه متناسب‌سازی قبلی کرده تقریباً همان فرمول ۱۳۹۹ است، با این تفاوت که حداقل بگیران را هم مشمول کرده و کمتر از حداقل بگیران هم به نسبت دریافتی‌شان، مشمول شده‌اند.

اینکه مدیرعامل تأمین اجتماعی با شجاعت و بدون واهمه این طرح را اجرایی کرده، قابل تقدیر است و نشان دهنده این است که «سالاری» نگاه وسیع و دیدگاه اجتماعی عمیق و ژرفی دارد. با این که قدرت ریسک دارد ولی به دنبال سیاسی کاری نیست و از این رو شایسته جایگاهى است که در آن قرار گرفته است.

اجرای فرمول جدید نشان می‌دهد مدیرعامل سازمان بدون مطالعه و تعمق و تحقیق چنین کار بزرگی را شروع نکرده و مطمئناً جوانب کار دیده شده است. قصد ندارم عملکرد مدیران دوره‌های پیشین تأمین اجتماعی را زیر سوال ببرم ولی به نظر می‌رسد آنان در اجرای چنین طرح‌هایی تردید داشتند. شاید به این علت که به اندازه مدیرعامل فعلی تأمین اجتماعی، نگاه اجتماعی به مسائل نداشتند و از این رو ریسک‌پذیر نبودند تا دنبال کارهای بزرگی که جامعه را منتفع می‌کند، باشند.

در باره منابع مورد نیاز برای طرح متناسب‌سازی و محل تأمین آن هم قطعاً مدیرعامل تأمین اجتماعی ابتدا منابع را در نظر گرفته و بعد متناسب‌سازی را اجرایی کرده است. بخشی از منابع طرح متناسب‌سازی به حوزه مطالبات تأمین اجتماعی از دولت برمی‌گردد. دولت خود را مکلف کرده که ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در قالب رد دیون در سال ۱۴۰۴ به تأمین اجتماعی پرداخت کند. از سوی دیگر، تمرکز مدیرعامل تأمین اجتماعی روی سودآور کردن حوزه شستاسه و به خاطر همین مولفه‌هایی برای شستا تعریف شده که آن را سمتی می‌برد تا آورده‌های بیشتری برای تأمین اجتماعی داشته باشد.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد دولت به دنبال این است تا سال آینده مطابق تورم واقعی، دستمزدها و چشم‌انداز هم‌افزایی و هم‌فکری برای افزایش حداقل دستمزد در سال آتی را می‌توان از الان دید. وقتی چنین اتفاقاتی بیفتد منابع لازم در حوزه بیمه‌ای هم دیده می‌شود. این سه ضلع، یعنی وصول مطالبات از دولت، افزایش سرمایه‌گذاری و سودآوری شستا و واقعی کردن دستمزد، منابع لازم را برای این طرح فراهم خواهد کرد.

در مقطع قبلی هم که سالاری، مدیرعامل تأمین اجتماعی بود، دو نوبت متناسب‌سازی انجام و تأمین منابع شد. مطمئناً با توجه به شناختی که از جامعه و روابط و تعاملی که با دولت دارد (که می‌تواند منجر به متقاعد کردن شخص رئیس‌جمهور برای کمک در این حوزه شود) می‌تواند منابع این طرح را هم در سال جاری، تأمین کند.

معتمد سالاری جامعه را از نزدیک می‌شناسد و روی جامعه هدف که بازنشستگان هستند، کار کرده و می‌داند اقشار ضعیف و شکننده‌ای هستند و باید جانب احتیاط را رعایت کرده و این اقشار را حمایت کند. با این نگاه قطعاً می‌تواند دولت را متقاعد و مطالبات تأمین اجتماعی را در قالب رد دیون بیشتر وصول کند. نکته دیگر اینکه در سال آتی اگر دولت اقدام به تهاثر بدهی‌هایش از محل دارایی‌های صندوق‌های کشوری و فولاد کند، غدغه‌های که تأمین منابع به مشکل بخورد وجود ندارد.

در پایان باید گفت پرداختی‌های این طرح از ابتدای سال جاری باید محاسبه شود که معوقه محسوب می‌شود ولی محاسبه این معوقات برای مرحله بعدی مذاکره گذاشته شده تا بر سر این که نحوه پرداخت به چه صورتی باشد، گفت‌وگو کنیم. نکته مهم این است که حضور سالاری در این سازمان منجر به افزایش دارایی‌های تأمین اجتماعی خواهد شد. طرز تفکر و تجربه و سابقه عملکردش نشان می‌دهد که او آینده‌فروشی نمی‌کند.

در دوره قبل حتی حاضر بود استقراض کند ولی اموال تأمین اجتماعی را نفروخت. به این علت که در اقتصاد تورمی ایران، ولو با سود بانکی ۲۸ درصد، استقراض بهتر از این است که اموال و سهام تأمین اجتماعی فروخته شود که در آینده قیمت بسیار بیشتری خواهند داشت.



خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

گرانی، هر روز زندگی را برای صاحبان درآمد‌های اندک ولی ثابت، سخت‌تر می‌کند

«پله‌نشینی در قطار» جدیدترین نمایش شکاف طبقاتی



این روند که می‌توان از آن به عنوان جدیدترین ناهنجاری اقتصادی-اجتماعی یاد کرد، دلایل متعددی دارد. در وهله نخست هزینه پله‌نشینی

طبیعتاً کمتر از قیمت بلیت صندلی قطار است، از این رو افرادی که ناچارند هر روز مسافت طولانی را برای رفتن سر کار و بازگشت به خانه طی کنند، توانایی پرداخت ارقام سنگین برای تردد خود را ندارند.

بنابراین فراموش کرد این اتفاق اغلب برای ایستگاه‌های بین‌راهی و مناطق حومه‌ای شهرها رخ می‌دهد. اغلب ساکنان این مناطق از قشر ضعیف جامعه محسوب شده و امکانات زیادی برای تردد ندارند. پس مجبورند از تنها خط راه‌آهن نزدیک به خود برای جابه‌جایی استفاده کنند. فراموشی این افراد در شرایط نامساعد جغرافیایی و کمبود توان مالی، فرصت را برای سوءاستفاده برخی شرکت‌های مسافری بر فراهم کرده و پله‌های خود

در ایستگاه‌های نزدیک شهرهای بزرگ و مناطق مربوط به حومه، اغلب کارگرانی سوار قطارهای بین‌شهری شده‌وبه جای استفاده از کوبه یا صندلی مخصوص مسافر، روی پله‌های میان واگن‌ها می‌نشینند. این افراد که مسیری طولانی را به ناچار هر روزه برای رفتن سر کار طی می‌کنند، هزینه سفر خود را نقدی به مسئول بخش مربوطه می‌پردازند.

گزارش

کردستان کمترین سهم از اشتغال دولتی در ایران را دارد

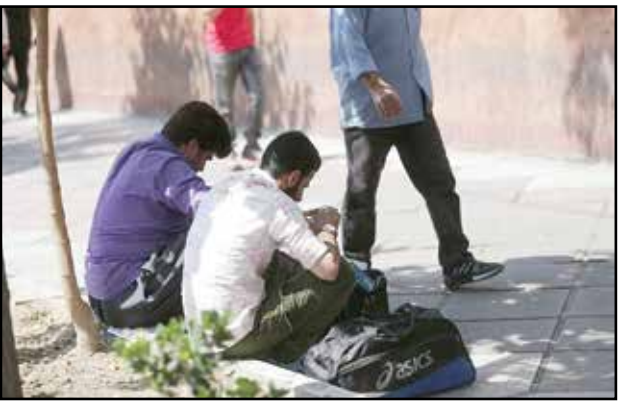
استان کهگیلویه و بویراحمد با سهم ۲۶۶ درصد، بیشترین میزان اشتغال در بخش دولتی را دارد. این امر نشان می‌دهد که بخش دولتی نقش پررنگی در ایجاد فرصت‌های شغلی در این استان دارد.

به گزارش آکوابران، بخش دولتی از نظر امنیت شغلی همواره گزینه جذابی برای کارجویان بوده است. در سمت دیگر اما بخش خصوصی قرار گرفته که قرار دادهای کاری در آن جذاب‌تر بوده و سطح حقوقی بالاتری هم دارد. بهروری نیز در این بخش بالاتر از بخش دولتی است. این دو بخش، ترکیب متفاوتی از کل اشتغال هر استان را در تابستان امسال به خود اختصاص داده‌اند.

براساس داده‌های مرکز آمار، سهم اشتغال بخش دولتی در استان آذربایجان شرقی معادل ۱۳۰۴ درصد بوده در حالی که ۸۶۶ درصد از اشتغال این استان به بخش خصوصی اختصاص دارد. مقایسه این درصد‌ها نشان می‌دهد که ساختار اشتغال در این استان به شدت متکی به بخش خصوصی است و سهم قابل‌توجهی از نیروی کار در این حوزه فعالیت می‌کند. این الگو در بسیاری از استان‌های دیگر نیز تکرار شده و نشان دهنده اهمیت و برتری نسبی بخش خصوصی در ایجاد فرصت‌های شغلی در ایران است.

در استان آذربایجان غربی، سهم بخش دولتی از اشتغال ۱۱۰۱ درصد و سهم بخش خصوصی ۸۸۰۹ درصد گزارش شده است. این داده‌ها حاکی از این است که آذربایجان

گزارش



قطار، وجود محدودیت در تهیه بلیت این وسیله حمل‌ونقل عمومی است. به منظور سامان‌دهی بازار بلیت قطار، دولت روند راه‌این شکل تغییر داد که افراد ۱۵ ام‌ماه، ۱۷ ام‌ماه، پیش‌خرید بلیت‌های قطار خود را باید انجام دهند. هر فرد اگر نیاز به سفر با قطار داشته باشد، باید از ماه قبل تصمیم خود را گرفته و صندلی خود را رزرو کند.

طی کردن چنین روندی آن‌هم برای افرادی که در حومه شهرها یا حتی شهرستان‌های کوچک زندگی می‌کنند، به تبع دشوار است. پس آنها چاره‌ای ندارند که در صورت نیاز به سفر فوری با قطار، از هر شیوه غیرمعماری که فضا را برای سودجویی شرکت‌ها فراهم می‌کند، بهره‌گیرند، به‌ویژه اگر این تردد، رویتن روزانه باشد. نکته قابل توجه آنجاست که هیچ‌یک از نهادهای این موضوع توجهی نداشته و شرکت‌های مسافری نیز انگار از این درآمدهای بادآورده‌اما ثابت، راضی‌اند.

باطن اقتصاد ایران، سرمایه‌داری ست

نشستن روی پله قطار برای رفتن به سر کار در شهری یا شهرستانی دیگر، جدای از بحث‌های اقتصادی و پرنرگ‌تر شدن مشکلات مدیریتی، یک بعد اجتماعی هم دارد. کرامت‌انسانی که برای کاهش هزینه‌های اقتصادی زیر سؤال می‌رود، نکته حذف شده در نگاه افرادی‌ست که با فراغ بال تورم را افزایش می‌دهند و از هر شیوه‌ای برای کسب درآمد بیشتر از مردم استفاده می‌کنند.

کارگرانی که اغلب روزمزد هستند یا با پایه حقوق نهایتاً ۹ میلیون تومانی یک خانوار را اداره می‌کنند، از ارزشی پایین‌تر برخوردار نیستند که حق آنها نشستن روی پله قطار باشد. ادعای مسئولان آن است که ایران یک کشور سرمایه‌داری نیست اما با نحوه مدیریت و شیوه‌های قانون‌گذاری فعلی انگار اگر پول نداشته باشی، ارزشی هم نداری. تنها در یک نظام سرمایه‌داری کارگر روزمزد ساکن حومه، برای رفتن سر کار و بازگشت به خانه باید روی پله قطار بنشیند. البته اگر مدیران این موضوع را مثل تمام چالش‌های اقتصادی-اجتماعی دیگر تذکر بکنند.



این تفاوت‌ها در حداقل‌ها نشان می‌دهد که ساختار بازار کار در استان‌های مختلف بسیار متنوع است و وابستگی به بخش‌های دولتی و خصوصی می‌تواند بر اساس شرایط اقتصادی، زیرساخت‌ها، سیاست‌های منطقه‌ای و نیازهای محلی متفاوت باشد. سیاست‌گذاران می‌توانند با بررسی این داده‌ها به دنبال راهکارهای متوازن‌سازی در توسعه اشتغال در هر دو بخش باشند تا زمینه‌های رشد و پایداری در بازار کار را تقویت کنند.

کاهش ۳هزار نفری تعداد مقرری بگیران بیمه بیکاری

بیمه‌شده از نظر بازنشستگی، از افتادگی و فوت محسوب می‌شود. ضمن اینکه مقرری‌بگیر و عائله تحت تکفل وی در دوره دریافت مقرری می‌توانند از حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند.

رئیس اداره بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه‌مدت تأمین اجتماعی به ارائه آماری از تعداد مقرری‌بگیران پرداخت و یادآور شد: در اسفندماه سال ۱۴۰۲ برابر با ۱۴۵ هزار و ۵۷۱ نفر از مقرری بیمه بیکاری استفاده کرده‌اند که با توجه به تدابیر اتخاذ شده از جمله برگزاری دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار و فراهم کردن زمینه اشتغال مجدد مقرری‌بگیران از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد مقرری‌بگیران نه تنها افزایش نداشته بلکه در شهر یورماه سال ۱۴۰۳ به ۱۴۲ هزار و ۹۰۰ نفر کاهش یافته است.

رئیس اداره بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه‌مدت تأمین اجتماعی از کاهش تعداد مقرری‌بگیران بیمه بیکاری در شهر یورماه سال جاری نسبت به اسفندماه سال گذشته خبر داد.

امیرعباس قدرتی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: میزان مقرری بیمه‌شده مجرد معادل ۵۵ درصد متوسط مزد یا حقوق وی ظرف ۹۰ روز قبل از بیکاری است که به مقرری بیمه‌شده متاهل یا متکفل به‌ازای هر یک از افراد تحت تکفل (حداکثر تا ۴ نفر) ۱۰ درصد حداقل دستمزد زمان بیکاری افزوده می‌شود. در هر حال مقرری پرداختی نباید از حداقل دستمزد کمتر و از ۸۰ درصد متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد.

وی تصریح کرد: مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری جزء سوابق پرداخت حق بیمه

خبر

باسمه‌مصدوم و یک‌جان‌باخته؛

ایمن‌سازی معدن کلات سانحه آفرید



روز پنجشنبه، فرماندار شهرستان آزادشهر از ریزش بخشی از معدن زغال سنگ کلات شرق بخش چشمه‌ساران شهرستان آزادشهر خبر داد.

به گزارش «توسعه‌ایرانی»، جواد کریمی در این باره گفت: سه کارگر دچار حادثه شدند و به بیمارستان انتقال پیدا کردند و یک کارگر نیز جان باخت. موضوع ریزش و آبعاد آن توسط مقامات قضایی و عوامل بازرسی در حال بررسی است.

در همین زمینه مدیرکل دفتر بهره‌برداری معادن و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز گفت: این معدن تعطیل بوده و فعالیت استخراجی نداشته است.

مهدی حمیدی درباره رخ حادثه خبر داد که در معدن زغال سنگ شرق کلات اظهار داشت: معدن شرق کلات توسط تیم بازرسی متشکل از وزارت صمت، وزارت کار، سازمان نظام مهندسی معدن و کارشناسان معدن مورد بازدید قرار گرفت و براساس این بازدید، معدن ناایمن تشخیص داده شده و عملیات استخراج نیز متوقف شده بود.

وی بابیان اینکه این معدن تعطیل بوده و فعالیت استخراجی نداشته، تصریح کرد: حادثه ریزش سنگ در حین تعمیر و نگهداری و در راستای ایمن‌سازی اتفاق افتاده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز با صدور اطلاعیه‌ای درباره این حادثه اعلام کرد: درحالی‌ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه (۲۴ آبان‌ماه) ۲۴ نفر از کارگران معدن کلات شرق شهرستان آزادشهر در حین انجام تعمیرات و نگهداری در استه تونل شماره ۷ بودند که بر اثر ریزش سنگ‌های سقف تونل، متأسفانه یکی از کارگران به نام «محمد گنجی وطن» جان باخته است و دو کارگر به نام‌های «ابوالقاسم میردروطن» و «حسن قفسلی» هم به دلیل مصدومیت به مراکز درمانی منتقل شدند. براساس گزارش سربازرس سازمان نظام مهندسی معدن در تاریخ ۲۴ مهرماه امسال، معدن کلات شرق آزادشهر ناایمن شناخته شده و موارد غیرایمن